



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۲، صص ۴۱۷-۴۰۳

مقایسه چگونگی شکل‌گیری پرسه‌زنی در فضاهای شهری در دو دیدگاه اندیشمندان حکمت ایرانی - اسلامی و فلاسفه غربی با تاکید بر ویژگی‌های زمینه‌ای (باوری، فرهنگی، تاریخی و ادبی)

عظیم عثمانیان^۱، محمود رحیمی*^۲، رامین ساعد موچشی^۳

۱- گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mahmoudrahimi9@gmail.com

۳- گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی اخیر، مفهوم پرسه‌زنی به‌عنوان یک عمل اجتماعی و معنوی اهمیت یافته است. این پژوهش با هدف بررسی ابعاد مختلف پرسه‌زنی از منظر فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی انجام شد. هدف پژوهش، تحلیل و مقایسه این دو دیدگاه و کشف معانی عمیق‌تر این عمل در هر کدام از سنت‌های فرهنگی است. روش تحقیق: پژوهش حاضر بر مبنای تحلیل متون ادبی و فلسفی صورت گرفته است. با استفاده از منابع و متون کلیدی از هر دو سنت غربی و ایرانی - اسلامی، ابعاد فلسفی و معنوی پرسه‌زنی مورد واکاوی قرار گرفت. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که در فلسفه غربی، پرسه‌زنی به‌عنوان یک عمل فردگرایانه و زیبایی‌شناختی شناخته می‌شود؛ نویسندگانی چون چارلز بودلر این مفهوم را از طریق توصیف جزئیات زندگی شهری و زیبایی‌های آن به تصویر کشیده‌اند. در مقابل، در حکمت ایرانی - اسلامی، پرسه‌زنی به‌عنوان سلوک عرفانی و جستجوی حقیقت مطرح شده است، که نمونه‌های آن در اشعار مولوی و متون عرفانی مشاهده می‌شود. نتیجه‌گیری: پرسه‌زنی، در هر دو سنت غربی و ایرانی - اسلامی، نه تنها به‌عنوان یک فعالیت فردی، بلکه به‌عنوان یک فرآیند شناختی و معنوی درک می‌شود. این فعالیت، فرصتی برای درک عمیق‌تر از هویت فردی و معنای زندگی فراهم می‌آورد و به تعاملات اجتماعی و فرهنگی معنا می‌بخشد.

کلمات کلیدی: پرسه‌زنی، سلوک عرفانی، فلسفه غربی، جستجوی حقیقت.

۱- مقدمه و بیان مسئله

پرسه‌زنی^۱ به‌عنوان یکی از مفاهیم فلسفی و اجتماعی در بررسی رابطه انسان با فضای شهری نقش محوری دارد (pazouki, 2023: 45). این مفهوم در ابتدا در ادبیات و فلسفه غربی ظهور کرد و به فردی اشاره دارد که بدون هدف مشخصی در فضاهای عمومی شهر، مانند خیابان‌ها و پارک‌ها، قدم می‌زند و به مشاهده و تجربه شهر می‌پردازد. پرسه‌زن^۲ نه تنها به عنوان یک مشاهده‌گر صرف، بلکه به عنوان فردی که با نگاهی ژرف به زندگی شهری و تغییرات آن می‌نگرد، شناخته می‌شود (Shepherd, 2016: 23). این مفهوم در آثار شارل بودلر و متفکرانی مانند والتر بنیامین به اوج خود رسید و به عنوان یکی از روش‌های تحلیل شهر مدرن و تجربه زیست شهری مطرح شد. در این دیدگاه، شهر به عنوان فضای تجربی فرهنگی و اجتماعی دیده می‌شود و پرسه‌زن از طریق این تجربه به شناخت جدیدی از زندگی مدرن دست می‌یابد. اما در حکمت ایرانی - اسلامی، مفهوم پرسه‌زنی معنای متفاوتی به خود می‌گیرد. این مفهوم در سنت عرفانی اسلامی به نوعی سفر درونی و جستجوی معنوی مرتبط است (Ghahramani & et al, 2016: 18). پرسه‌زن در این دیدگاه فردی است که در حرکت و قدم زدن نه تنها در فضای شهری، بلکه در دنیای معنوی و فلسفی به دنبال شناخت حقیقت و خداوند است (Mohamadi & et al, 2016: 280). فیلسوفان و عرفای بزرگی چون مولوی و ابن عربی به پرسه‌زنی به عنوان نمادی از سلوک معنوی نگریسته‌اند که فرد را از دنیای مادی به سوی حقیقت معنوی و الهی هدایت می‌کند. به این ترتیب، پرسه‌زنی در حکمت اسلامی نه تنها تجربه‌ای مادی، بلکه جستجویی برای شناخت معنوی و پیوند با جهان هستی است. مفهوم پرسه‌زنی در دو سنت غربی و ایرانی - اسلامی به شکل‌های متفاوتی بسط یافته است که ناشی از زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و باوری این دو سنت است (Ferdowsi, 2020: 53). در غرب، پرسه‌زن نمادی از فردگرایی مدرن است که از طریق تعامل با فضاهای عمومی به تجربه‌ای فرهنگی و اجتماعی دست می‌یابد. این مفهوم به نوعی از تجربه شهری اشاره دارد که در بستر مدرنیته و تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه غربی شکل گرفته است (Rashidzadeh, 2020: 81). از دیدگاه بودلر، پرسه‌زن با نگاهی ژرف به شهر و مدرنیته، به کشف نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد و شهر را به مثابه فضایی برای تجربه فردی و اجتماعی خود می‌بیند. در مقابل، پرسه‌زنی در سنت ایرانی - اسلامی بیشتر به عنوان سفری معنوی و فلسفی مطرح است (Nurul Islami, 2020: 2). در این دیدگاه، حرکت و قدم زدن در فضای عمومی تنها به عنوان یک فعالیت فیزیکی تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی جستجو برای شناخت درونی و معنوی است. فیلسوفان اسلامی مانند ملاصدرا با تأکید بر مفاهیم عرفانی، پرسه‌زنی را به عنوان سلوکی روحانی و فلسفی تفسیر می‌کنند که فرد را به حقیقت الهی نزدیک‌تر می‌کند. بنابراین، تفاوت‌های ریشه‌ای در برداشت از مفهوم پرسه‌زنی ناشی از شرایط فرهنگی و باوری هر یک از این دو سنت است. مسئله اصلی در این پژوهش این است که چگونه شرایط باوری، فرهنگی، تاریخی و

¹ Flânerie

² Flâneur

ادبی در شکل‌گیری مفهوم پرسه‌زنی در این دو سنت تأثیر گذاشته‌اند. در غرب، پرسه‌زنی بیشتر به عنوان تجربه‌ای شهری و مدرن تعریف می‌شود، در حالی که در سنت ایرانی - اسلامی، این تجربه بیشتر معنوی و عرفانی است (Binazir, 2021: 90). این تفاوت‌ها بازتاب‌دهنده زمینه‌های فرهنگی و تاریخی متفاوتی هستند که هر یک از این دو سنت در آن شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال، در فلسفه غربی، با تأکید بر انسان‌محوری و فردگرایی، پرسه‌زنی به نوعی ابزاری برای کشف هویت فردی در شهر تبدیل شده است، در حالی که در سنت اسلامی، این مفهوم به معنای جستجوی معنوی و شناخت عمیق‌تر از جهان است. از منظر عملی، این پژوهش می‌تواند به طراحی بهتر فضاهای شهری کمک کند. در جوامع اسلامی، طراحی فضاهای شهری با تأکید بر تجربه‌های معنوی و فلسفی می‌تواند به ایجاد محیط‌هایی برای تأمل و تجربه معنوی منجر شود. از سوی دیگر، در جوامع غربی، طراحی فضاهای شهری با تمرکز بر تجربه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی شهری کمک کند. این پژوهش همچنین می‌تواند به غنی‌سازی بحث‌های میان‌رشته‌ای در زمینه فلسفه شهری، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی کمک کند. به طور کلی، این مطالعه به روشن‌تر شدن نقش فضاهای شهری در شکل‌گیری هویت‌های فردی و جمعی و همچنین تحلیل تأثیر شرایط فرهنگی و باوری بر تجربه انسان از شهر کمک می‌کند. پرسه‌زنی به عنوان ابزاری برای تحلیل این تجربیات، به درک عمیق‌تری از روابط انسان با فضای شهری و نقش آن در زندگی مدرن و معنوی منجر می‌شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر مقایسه مفهوم پرسه‌زنی در دو سنت فکری غربی و ایرانی-اسلامی، نشان می‌دهد که چگونه زمینه‌های باوری، فرهنگی، تاریخی و ادبی در شکل‌گیری این مفهوم تأثیر داشته‌اند. در فلسفه غربی، پرسه‌زن به عنوان مشاهده‌گری مدرن که با فضاهای شهری تعامل می‌کند، نماد فردگرایی و تجربه مدرنیته است. در مقابل، در حکمت ایرانی - اسلامی، پرسه‌زنی بیشتر با جستجوی معنوی و تأمل فلسفی پیوند دارد و نمایانگر سفری به سوی شناخت حقیقت است. این پژوهش با استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای، به تحلیل نوین و عمیقی از تجربه‌های شهری و معنوی در دو سنت فکری پرداخته و از این طریق به درک جدیدی از چگونگی تأثیر تفاوت‌های فرهنگی و باوری بر تجربه انسان از فضاهای شهری کمک می‌کند.

۲- چارچوب نظری و مبانی نظری تحقیق

۲-۱- مفاهیم بنیادین در فلسفه غربی

در چارچوب نظری این بخش، به بررسی سه مفهوم کلیدی در فلسفه غربی پرداخته می‌شود که نقشی اساسی در شکل‌گیری مفهوم پرسه‌زنی ایفا می‌کنند: فردیت^۱، مدرنیته^۲، و تجربه شهری^۳ (Eagleto, 2020: 90). این مفاهیم از

¹ Individualism

² Modernity

³ Urban Experience

دوران مدرنیته و خصوصاً در آثار فیلسوفان و متفکران قرن نوزدهم و بیستم به شکل جدی‌تری مطرح شده‌اند. به این مفاهیم بصورت گسترده‌تر در جدول زیر اشاره شده است:

جدول ۱- مفاهیم کلیدی در فلسفه غربی (نگارندگان)

<p>فردیت به عنوان یکی از اصول بنیادین در فلسفه غربی، به مفهوم استقلال و خودمختاری فرد در برابر جامعه و سنت‌های اجتماعی اشاره دارد. در مفهوم پرسه‌زنی، فردیت به شکلی نمایان می‌شود که پرسه‌زن به تهایبی و بدون هدف مشخص در خیابان‌های شهر قدم می‌زند و از آزادی فردی خود بهره می‌برد تا با نگاه انتقادی به زندگی شهری بنگرد. پرسه‌زن (Flâneur) شخصیتی است که با نگاهی جدا از جمع، محیط اطراف خود را مشاهده و تحلیل می‌کند. متفکرانی چون شارل بودلر و والتر بنیامین به این جنبه از پرسه‌زنی اشاره کرده‌اند، که نشان از استقلال و آزادی فرد در دنیای مدرن دارد (Shortell & Brown, 2014: 33).</p>	<p>فردیت</p>
<p>مدرنیته به عنوان پدیده‌ای تاریخی و فرهنگی، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری مفهوم پرسه‌زنی داشته است. در دوران مدرن، شهرها به مراکز صنعتی و فرهنگی تبدیل شدند و پرسه‌زن نماد انسانی است که به صورت آگاهانه در این شهرهای مدرن به جستجوی معنا و تجربه می‌پردازد. مدرنیته با تأکید بر تحولات اجتماعی و فرهنگی، به فرد فرصت می‌دهد تا در مقابل ساختارهای سنتی و جامعه ایستادگی کند و تجربه‌های جدیدی از زندگی شهری داشته باشد. بنیامین پرسه‌زنی را راهی برای مواجهه با این تحولات مدرن و پیچیدگی‌های زندگی در شهرهای بزرگ می‌داند.</p>	<p>مدرنیته</p>
<p>در فلسفه غربی، تجربه شهری به عنوان یکی از عناصر کلیدی پرسه‌زنی در نظر گرفته می‌شود. شهر به مثابه مکانی است که پرسه‌زن می‌تواند از طریق مشاهده و تجربه، نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی آن را تحلیل کند. در اینجا پرسه‌زن از فضای شهری به‌عنوان منبعی برای بررسی رفتارهای انسانی و ساختارهای اجتماعی استفاده می‌کند و از طریق قدم‌زدن و مشاهده بی‌واسطه به تحلیل روابط اجتماعی و فرهنگی شهر می‌پردازد. (Coates, 2017: 29).</p>	<p>تجربه شهری</p>

پرسه‌زنی (flânerie) یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه و ادبیات غربی است که ریشه در اندیشه‌های مدرنیستی دارد. شارل بودلر، شاعر و نظریه‌پرداز فرانسوی، یکی از اولین متفکرانی بود که پرسه‌زن (flâneur) را به‌عنوان نماد مدرنیته معرفی کرد. از نظر بودلر، پرسه‌زن فردی است که در خیابان‌های شهر بی‌هدف قدم می‌زند، اما این قدم زدن نه فقط به‌عنوان یک فعالیت جسمی، بلکه به‌عنوان یک عمل فلسفی و هنری در نظر گرفته می‌شود. پرسه‌زن در این رویکرد به‌نوعی هنرمند و مشاهده‌گر شهر است که با دیدگاه زیبایی‌شناختی و تفکر انتقادی، فضاهای شهری و جریان زندگی در شهر را تجربه می‌کند. این مفهوم نه تنها به تجربه شهری اشاره دارد، بلکه نوعی بررسی و نقد اجتماعی و فرهنگی نیز در خود جای داده است. والتر بنیامین، متفکر آلمانی، به شدت تحت تأثیر آثار بودلر قرار داشت و پرسه‌زنی را به‌عنوان روشی برای درک پیچیدگی‌های مدرنیته و زندگی شهری مدرن در نظر می‌گرفت. او در اثر خود "پروژه پاساژها" به تحلیل فضاهای شهری و نقش پرسه‌زن در بازتعریف تعاملات اجتماعی و فرهنگی پرداخت. بنیامین پرسه‌زنی را نوعی فعالیت فلسفی می‌داند که از طریق مشاهده و تعامل با فضاهای عمومی، به تحلیل انتقادی شهر و جامعه مدرن می‌پردازد. مفاهیم فردگرایی و آزادی فردی در فرهنگ مدرن غربی نقش مهمی در شکل‌گیری پرسه‌زنی دارند. این مفهوم به فرد این امکان را می‌دهد که از طریق پرسه‌زنی در فضاهای عمومی، هویت خود را بازتعریف کند

و در عین حال به نقد و تحلیل فضاهای شهری و شرایط اجتماعی بپردازد. پرسه‌زن با حرکت آزادانه در شهر و تجربه بی‌هدف اما عمیق از محیط، به نوعی فرهنگ و هویت مدرن را به تصویر می‌کشد.

۲-۲- مفاهیم بنیادین در حکمت ایرانی - اسلامی

در سنت فکری ایرانی - اسلامی، مفاهیمی چون وحدت وجود^۱، هدف‌مندی^۲، و ارتباط انسان با خدا نقش اساسی در تعریف و معنا بخشی به پرسه‌زنی دارند (Oskouee & et al, 2024: 734). برخلاف فلسفه غربی که بیشتر بر تجربه فردی و مدرنیته تمرکز دارد، حکمت ایرانی - اسلامی بر رابطه‌ای عمیق‌تر و معنوی میان انسان و جهان تأکید می‌کند. به این مفاهیم بصورت گسترده‌تر در جدول زیر اشاره شده است:

جدول ۲- مفاهیم کلیدی در سنت فکری ایرانی - اسلامی (نگارندگان)

<p>وحدت وجود یکی از اصول بنیادی در فلسفه عرفانی و حکمت ایرانی - اسلامی است که توسط فیلسوفان و عارفانی چون ابن عربی و ملاصدرا مطرح شده است. این اصل به ارتباط همه‌جانبه میان خدا، انسان، و جهان اشاره دارد و پرسه‌زنی در این زمینه به معنای حرکت و جستجو در مسیر شناخت حقیقت الهی و وحدت با جهان است. در این دیدگاه، پرسه‌زن نه تنها به جستجوی فیزیکی در شهر می‌پردازد، بلکه به نوعی سلوک معنوی دست می‌زند که هدف آن رسیدن به شناخت عمیق‌تر از خود و جهان است.</p>	<p>وحدت وجود</p>
<p>در مقابل مفهوم بی‌هدفی در پرسه‌زنی غربی، در حکمت ایرانی - اسلامی، هدف‌مندی یک عنصر اساسی است. در این سنت، حرکت انسان به سوی خدا و شناخت معنوی از جهان همواره هدف‌دار است. فیلسوفان اسلامی مانند ابن‌سینا و فارابی، حرکت و سفر را نمادی از تلاش انسان برای رسیدن به کمال و حقیقت می‌دانستند. بنابراین، پرسه‌زنی در حکمت اسلامی نه تنها یک فعالیت فیزیکی، بلکه یک فعالیت معنوی و فلسفی است که با نیت و هدف مشخص انجام می‌شود (Gulshan, 2020: 29).</p>	<p>هدف‌مندی</p>
<p>یکی دیگر از عناصر کلیدی در حکمت ایرانی - اسلامی، ارتباط انسان با خدا است. این ارتباط در پرسه‌زنی معنوی تجلی می‌یابد و به نوعی، سفر به معنای بازگشت به خدا و شناخت حقیقت الهی در نظر گرفته می‌شود. پرسه‌زن در این دیدگاه به جای کشف نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی، به جستجوی معنوی و درک عمیق‌تر از هستی مشغول است. عرفایی مانند مولوی و حافظ از این دیدگاه به سفر و حرکت انسان به عنوان راهی برای رسیدن به خدا و شناخت حقیقت اشاره کرده‌اند (Nasr, 2015: 122).</p>	<p>ارتباط انسان با خدا</p>

در مقابل، مفهوم پرسه‌زنی در حکمت ایرانی - اسلامی به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است و به شکلی عمیق‌تر و معنوی‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. در این سنت فکری، پرسه‌زنی به‌نوعی با مفاهیم عرفانی و فلسفی مانند "سیر و سلوک" پیوند خورده است. سیر و سلوک در تفکر عرفانی اسلامی به معنای سفری درونی و معنوی است که هدف آن شناخت حقیقت و رسیدن به خداست. در این زمینه، حرکت و قدم زدن نه تنها به‌عنوان یک عمل فیزیکی، بلکه به‌عنوان نمادی از حرکت معنوی و جستجوی حقیقت در نظر گرفته می‌شود. فیلسوفان و عرفای اسلامی مانند ابن

¹ Unity of Being

² Purposefulness

عربی و ملاصدرا، مفاهیم فلسفی و عرفانی مانند وحدت وجود و حرکت جوهری را در ارتباط با پرسه‌زنی معنوی تبیین کرده‌اند. در این دیدگاه، حرکت در فضای عمومی و شهری می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای تأمل و تدبیر در جهان و شناخت بهتر از خود و خالق باشد. حرکت و قدم زدن در شهر، به‌ویژه در متون فلسفی و عرفانی، به‌عنوان نمادی از تلاش انسان برای رسیدن به وحدت با حقیقت و درک عمیق‌تر از جهان تلقی می‌شود. این مفهوم در فرهنگ اسلامی با ایده "سفر معنوی" یا "حج" نیز پیوند دارد که در آن فرد از طریق سفر به مکان‌های مقدس و تأمل در فضای شهری، به جستجوی معنوی و فلسفی می‌پردازد. این نوع پرسه‌زنی با هدفی مشخص و معنوی همراه است و برعکس پرسه‌زنی غربی که بیشتر به‌عنوان یک فعالیت فردگرایانه و بی‌هدف تعریف می‌شود، در اینجا هدفمند و جهت‌دار است.

۳-۲- مقایسه‌ای مفاهیم در فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی

در جدول زیر به مقایسه مفاهیم در فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی می‌پردازیم:

جدول ۳- مقایسه مفاهیم در فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی (نگارندگان)

مفهوم	فلسفه غربی	حکمت ایرانی - اسلامی
فردیت	تأکید بر آزادی و استقلال فرد در مقابل جامعه	تأکید بر وحدت وجود و ارتباط انسان با جهان و خدا
مدرنیته	پرسه‌زنی به‌عنوان نمادی از تجربه مدرنیته و زندگی شهری	سفر به‌عنوان راهی برای رسیدن به شناخت معنوی و کمال
تجربه شهری	مشاهده و تحلیل نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی در فضاهای شهری	حرکت در فضای شهری به‌عنوان سلوکی معنوی و فلسفی
هدف‌مندی	پرسه‌زنی بدون هدف مشخص	سفر با هدف شناخت معنوی و رسیدن به حقیقت الهی
ارتباط انسان با خدا	تأکید بر تجربه فردی و اجتماعی از شهر	پرسه‌زنی به‌عنوان جستجوی درونی و ارتباط معنوی با خدا

۴-۲- مقایسه ویژگی‌های زمینه‌ای (باوری، فرهنگی، تاریخی و ادبی)

۴-۲-۱- باورهای فلسفی و دینی

در مقایسه میان دو سنت فلسفی ایرانی - اسلامی و غربی، نظام‌های باوری و دینی نقش اساسی در شکل‌گیری و تفسیر مفهوم پرسه‌زنی دارند. در سنت ایرانی - اسلامی، فلسفه و دین به‌طور تنگاتنگی با یکدیگر پیوند دارند و پرسه‌زنی به‌عنوان نمادی از "سیر و سلوک" در مسیر شناخت حقیقت و نزدیکی به خداوند مطرح می‌شود. این عمل، نه به‌عنوان یک تجربه صرفاً حسی و روزمره، بلکه به‌عنوان یک جستجوی معنوی در نظر گرفته می‌شود. در عرفان اسلامی، حرکت در جهان بیرونی نماد حرکت درونی به سوی شناخت معنوی و الهی است، که از آثار فیلسوفانی چون ابن عربی و مولانا به خوبی مشهود است. برای مثال، مولانا در مثنوی معنوی، سفر و حرکت را به‌عنوان نماد سیر

روحانی انسان به سوی خدا مطرح می‌کند. در اینجا، پرسه‌زنی نمادی از حرکت به سوی وحدت وجود و پیوند با حقیقت مطلق است. در مقابل، در فلسفه غربی، پرسه‌زنی عمدتاً به‌عنوان تجربه‌ای حسی و تفسیری از محیط شهری در نظر گرفته می‌شود. در آثار فیلسوفان مدرنیستی چون والتر بنیامین و شارل بودلر، پرسه‌زن (*flâneur*) فردی است که به‌صورت آزادانه در شهر قدم می‌زند و از این طریق به تجربه و تفسیر محیط پیرامون می‌پردازد. این عمل بیشتر به‌عنوان یک فعالیت هنری و فلسفی مدرن شناخته می‌شود که به بررسی رابطه انسان با شهر و مدرنیته می‌پردازد. برخلاف دیدگاه اسلامی که پرسه‌زنی با هدف معنوی و الهی پیوند دارد، در فلسفه غربی این عمل بیشتر به کشف و تجربه فردی و فرهنگی از فضای شهری محدود می‌شود.

۲-۴-۲- عناصر فرهنگی و ادبی

عناصر فرهنگی و ادبی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری مفهوم پرسه‌زنی در هر دو سنت ایفا می‌کنند. در سنت ایرانی - اسلامی، ادبیات عرفانی و فلسفی به شکل‌گیری مفهوم پرسه‌زنی به‌عنوان سفری درونی و معنوی کمک کرده است. برای مثال، در ادبیات فارسی، شعرهای عرفانی از جمله اشعار حافظ و سعدی، مملو از مفاهیمی مانند سلوک و سفر معنوی هستند که به‌طور مستقیم با مفهوم پرسه‌زنی معنوی پیوند دارند. این آثار به‌خوبی بازتاب‌دهنده فرهنگ و باورهای دینی جوامع ایرانی و اسلامی هستند و تجربه پرسه‌زنی را به‌عنوان جستجوی حقیقت و نزدیکی به خداوند تعریف می‌کنند. در مقابل، در ادبیات غربی، پرسه‌زنی به‌طور عمده به‌عنوان یک فعالیت اجتماعی و فرهنگی در شهر مدرن مطرح می‌شود. آثار ادبی مدرنیستی همچون اشعار بودلر و داستان‌های جیمز جویس به بررسی تجربه شهری و فردگرایی در جهان مدرن پرداخته‌اند. در این آثار، پرسه‌زنی به‌عنوان نمادی از آزادی فردی و تجربه فرهنگی در فضاهای شهری مدرن شناخته می‌شود. بودلر، به‌ویژه در آثار خود، پرسه‌زن را به‌عنوان فردی معرفی می‌کند که با لذت و بی‌هدفی در خیابان‌های شهر حرکت می‌کند و از طریق مشاهده و تحلیل اجتماعی، به تجربه‌ای فرهنگی و هنری از شهر دست می‌یابد. این تفاوت فرهنگی نشان می‌دهد که چگونه ادبیات هر جامعه می‌تواند مفهوم پرسه‌زنی را در قالب‌هایی متفاوت شکل دهد.

۲-۴-۳- زمینه‌های تاریخی

زمینه‌های تاریخی نقش مهمی در تأثیرگذاری بر مفهوم پرسه‌زنی در هر دو سنت فلسفی دارند. در غرب، مفهوم پرسه‌زنی در دوران مدرنیته و به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی شکل گرفت. این دوران با تغییرات اجتماعی و اقتصادی بزرگی همراه بود که به رشد شهرهای بزرگ و تجربه جدیدی از زندگی شهری منجر شد. پرسه‌زنی در این فضا به‌عنوان واکنشی به تحولات مدرنیته و شهرنشینی مدرن شناخته می‌شود. در آثار بنیامین، پرسه‌زن به‌عنوان نمادی از مشاهده‌گر شهر مدرن مطرح می‌شود که به نقد و تحلیل فرهنگ مدرن شهری می‌پردازد. در مقابل، تاریخ اسلامی و

تحولات فرهنگی و دینی جوامع اسلامی، تأثیر بسزایی بر رویکردهای مختلف به پرسه‌زنی در این سنت داشته است. در دوره‌های مختلف تاریخی، به‌ویژه در دوره‌های طلایی تمدن اسلامی، فضاهای عمومی شهری به عنوان مکانی برای تجربه و تأمل معنوی مطرح بودند. بازارها، مساجد، و دیگر فضاهای عمومی نه تنها به عنوان مراکز فعالیت‌های اجتماعی و تجاری، بلکه به عنوان مراکزی برای تأمل و تفکر معنوی نیز نقش داشتند. این فضاها با مفاهیم دینی و عرفانی پیوند داشته و سفر در آنها نوعی حرکت به سوی شناخت بهتر از خداوند و حقیقت تلقی می‌شد. در نتیجه، مقایسه پرسه‌زنی در سنت‌های غربی و ایرانی-اسلامی نشان‌دهنده تأثیرات عمیق باورهای فلسفی، دینی، فرهنگی و تاریخی بر این مفهوم است. در حالی که در غرب پرسه‌زنی به‌عنوان تجربه‌ای فرهنگی و حسی از مدرنیته مطرح است، در سنت اسلامی این عمل به‌عنوان سلوکی معنوی و فلسفی در نظر گرفته می‌شود. این تفاوت‌ها بازتاب‌دهنده زمینه‌های فرهنگی و تاریخی خاص هر جامعه هستند و به درک عمیق‌تری از چگونگی تعامل انسان با فضاهای شهری منجر می‌شوند.

۳- روش پژوهش

روش تطبیقی^۱، یک تکنیک پژوهشی است که به مقایسه و تحلیل دو یا چند مفهوم، نظریه، یا پدیده در زمینه‌های مختلف می‌پردازد. هدف این روش شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان موضوعات مورد مطالعه است تا درک عمیق‌تری از ارتباطات میان آنها به دست آید. برای پژوهش حاضر که به بررسی مفهوم پرسه‌زنی در فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی می‌پردازد، این روش به تحلیل تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، باوری و ادبی در این دو سنت کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، فلسفه غربی پرسه‌زنی را به‌عنوان تجربه‌ای مدرن و فردگرایانه در فضای شهری تفسیر می‌کند، در حالی که در حکمت ایرانی - اسلامی، پرسه‌زنی با سلوک معنوی و تأمل بر خود و جهان پیوند دارد. ابزارهای مقایسه در این روش بصورت زیر است:

- تحلیل متون فلسفی: آثار بودلر، والتر بنیامین و دیگر فیلسوفان غربی در مقابل آثار عرفانی و فلسفی چون مولوی و ابن عربی.
- تحلیل متون تاریخی: بررسی تأثیرات مدرنیته و استعمار در غرب در مقابل تاریخ اسلامی و عرفان ایرانی.
- ادبیات تطبیقی: مقایسه بازتاب‌های مفهوم پرسه‌زنی در ادبیات مدرن غربی و شعرهای عرفانی فارسی.

¹ Comparative Analysis

این روش به شناسایی وجوه مختلف تأثیرات فکری و فرهنگی هر دو سنت کمک می‌کند و زمینه‌ای برای تحلیل عمیق‌تر فلسفه و فرهنگ در فضاهای شهری فراهم می‌آورد. جدول زیر به مقایسه ویژگی‌های کلیدی پرسه‌زنی در این دو سنت می‌پردازد و به تحلیل مفاهیم بنیادی، زمینه‌های فرهنگی، و بازنمایی ادبی در هر یک از این دو دیدگاه می‌پردازد. این مقایسه به ما این امکان را می‌دهد که نه تنها شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود را شناسایی کنیم، بلکه به فهم عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری این مفهوم در زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مختلف نائل شویم.

جدول ۴- جدول مقایسه (نگارندگان)

جنبه‌های مقایسه‌ای	فلسفه غربی	حکمت ایرانی - اسلامی
مفهوم پرسه‌زنی	تجربه فردگرایانه و مدرن	سلوک عرفانی و معنوی
زمینه فرهنگی	مدرنیته و فردگرایی	عرفان و پیوند با خدا
بازنمایی ادبی	اشعار بودلر و ادبیات مدرن	اشعار مولوی و عرفان اسلامی

۴-

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی دقیق و تحلیل یافته‌های پژوهش درباره مفهوم پرسه‌زنی در دو سنت فلسفی متفاوت، یعنی فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی می‌پردازد. این فصل بر اساس جدول مقایسه‌ای که در قسمت قبل ارائه شد، سه جنبه کلیدی را بررسی می‌کند: مفهوم پرسه‌زنی، زمینه فرهنگی و بازنمایی ادبی. هر یک از این جنبه‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد و ویژگی‌ها و تمایزات این دو سنت فلسفی را روشن می‌سازد.

۴-۱- تحلیل مفهوم پرسه‌زنی

مفهوم پرسه‌زنی در فلسفه غربی و حکمت ایرانی-اسلامی از زوایای مختلف قابل بررسی است که هر یک به نوبه خود ابعاد متفاوتی از تجربه انسانی را نمایان می‌سازد. در فلسفه غربی، پرسه‌زنی به‌عنوان یک عمل فردگرایانه و مدرن تعریف می‌شود که تحت تأثیر مدرنیته و فردگرایی قرار دارد. این مفهوم نه تنها به فرد آزادی می‌دهد تا در فضاهای عمومی کاوش کند، بلکه او را به تفسیر زندگی اجتماعی و فرهنگی نیز تشویق می‌کند. به‌عنوان نمونه، والتر بنیامین در تحلیل‌های خود به مفهوم "Flâneur" اشاره می‌کند، که به معنای یک مشاهده‌گر و تحلیل‌گر اجتماعی در فضاهای شهری است. این نقش، فرد را قادر می‌سازد تا زیبایی‌ها و جزئیات زندگی شهری را کشف کند و از طریق این تجربه، به یک درک عمیق‌تری از محیط و جامعه خود دست یابد. در این بستر، پرسه‌زنی نه تنها به‌عنوان یک فعالیت فیزیکی، بلکه به‌عنوان یک عمل حسی و اجتماعی تلقی می‌شود که در آن فرد از طریق گام‌زدن در خیابان‌ها، به کشف زیبایی‌ها و نشانه‌های زندگی شهری می‌پردازد. در مقابل، در حکمت ایرانی-اسلامی، پرسه‌زنی بیشتر به‌عنوان یک سلوک عرفانی و معنوی در نظر گرفته می‌شود. در این سنت، پرسه‌زنی نه تنها یک حرکت فیزیکی، بلکه راهی برای ارتباط با خدا و جستجوی حقیقت است. فیلسوفانی مانند مولوی و ابن عربی بر این نکته تأکید کرده‌اند که پرسه‌زنی به‌عنوان یک سفر درونی برای شناخت خویشتن و حقیقت الهی تعریف می‌شود. این دیدگاه به‌نوعی جستجوی معنوی است

که هدف آن نزدیک شدن به خدا و فهم عمیق‌تری از وجود و حقیقت هستی است. در این زمینه، پرسه‌زنی به‌عنوان یک فرآیند روحانی در نظر گرفته می‌شود که در آن فرد در جستجوی پاسخ به سؤالات عمیق‌تر درباره وجود و رابطه خود با خداوند است. به‌عبارتی دیگر، پرسه‌زنی در حکمت ایرانی-اسلامی نمایانگر عمق معنایی و ارزش‌های عرفانی است که به انسان این امکان را می‌دهد تا از طریق سلوک، به حقیقت و شناخت عمیق‌تری دست یابد. این دو دیدگاه متفاوت از پرسه‌زنی به ما این امکان را می‌دهد که درک بهتری از تجربه انسانی و ابعاد مختلف آن پیدا کنیم. در حالی که فلسفه غربی بر فردگرایی و آزادی فردی تأکید دارد، حکمت ایرانی-اسلامی بر سلوک عرفانی و جستجوی حقیقت تأکید می‌کند. این تنوع در تفکر و رویکرد به پرسه‌زنی نمایانگر فرهنگ‌های مختلف و ارزش‌هایی است که هر یک از این سنت‌ها در خود جای داده‌اند. به‌عنوان مثال، در ادبیات غربی، آثار شاعرانی چون بودلر و دیگر نویسندگان مدرن نمایانگر تجربه پرسه‌زنی در شهرهای بزرگ هستند و این تجربه به‌عنوان یک عمل حسی و زیبایی‌شناختی معرفی می‌شود. در مقابل، اشعار مولوی و متون عرفانی اسلامی به ابعاد معنوی و روحانی پرسه‌زنی می‌پردازند و جستجوی معنوی و ارتباط با خدا را به تصویر می‌کشند. به‌طور کلی، پرسه‌زنی به‌عنوان یک مفهوم پیچیده و چندبعدی، نمایانگر تعامل انسان با جهان اطرافش است. در هر یک از این سنت‌ها، پرسه‌زنی به‌عنوان یک ابزار برای کاوش و کشف معنا مورد توجه قرار گرفته است، اما تفاوت‌های بنیادین در نگرش به این مفهوم، نشان‌دهنده‌ی فرهنگ‌ها و زمینه‌های اجتماعی متفاوتی است که در آنها شکل گرفته‌اند. این دو رویکرد به ما یادآوری می‌کنند که انسان‌ها به‌طور مداوم در جستجوی معنا و حقیقت هستند و پرسه‌زنی به‌عنوان یک تجربه انسانی، یکی از ابزارهای مهم در این مسیر محسوب می‌شود. در نهایت، درک این دو سنت به ما این امکان را می‌دهد که با تنوع تفکر انسانی و عمیق‌تر شدن در تجربیات خود، به زندگی خود معنا ببخشیم.

۲-۴- تحلیل زمینه فرهنگی

زمینه فرهنگی در فلسفه غربی و حکمت ایرانی-اسلامی ابعاد متفاوتی از مفهوم پرسه‌زنی را نمایان می‌سازد که به‌طور قابل توجهی بر تجربیات انسانی و تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در فلسفه غربی، این زمینه به تأکید بر مدرنیته و فردگرایی اشاره دارد که در آن فرهنگ غربی به نوعی فردیت و آزادی فردی ارزش قائل است. این ارزش‌ها به‌ویژه در دوره‌های تحولات اجتماعی و اقتصادی قرن نوزدهم و بیستم تقویت شد، زمانی که با ظهور شهرهای صنعتی و تغییرات فرهنگی، هویت فردی به‌عنوان یک عنصر کلیدی در فرهنگ شهری شکل گرفت. پرسه‌زنی به‌عنوان یک فعالیت فرهنگی، نه تنها فرصتی برای فرد جهت جستجوی هویت در فضاها عمومی است، بلکه به او اجازه می‌دهد تا از طریق تعاملات اجتماعی، زیبایی‌ها و تنوع زندگی شهری را تجربه کند. به‌طور خاص، در آثار شاعرانی چون چارلز بودلر و نویسندگان مدرن، پرسه‌زنی به‌عنوان نمادی از تجربه‌های حسی و زیبایی‌شناسی زندگی شهری به تصویر کشیده شده است. بودلر با تصویرسازی از پرسه‌زن (Flâneur) به‌عنوان یک ناظر و کشف‌کننده در خیابان‌های پاریس، به بررسی زندگی روزمره و جزئیات زیبایی‌های شهری پرداخته است. این نوع پرسه‌زنی به‌عنوان نوعی تأمل بر شرایط انسانی در عصر مدرن مطرح می‌شود و نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه فرد می‌تواند در فضاها عمومی هویت خود را بیابد و به تجزیه و تحلیل زندگی شهری بپردازد. از سوی دیگر، در حکمت ایرانی-اسلامی، زمینه فرهنگی بیشتر به عرفان و پیوند با خدا مرتبط است. در این سنت، انسان به‌عنوان موجودی هدفمند و جستجوگر در نظر گرفته

می‌شود و پرسه‌زنی به‌عنوان راهی برای نزدیک شدن به خدا و کشف حقیقت تعبیر می‌شود. این نوع پرسه‌زنی نه تنها به یک تجربه اجتماعی اشاره دارد، بلکه به جستجوی عمیق‌تر انسان برای رسیدن به حقیقت و هدف نهایی زندگی نیز توجه دارد. در آثار عرفانی، مانند اشعار مولوی و ابن عربی، پرسه‌زنی به‌عنوان یک سفر معنوی و روحانی تعریف می‌شود که در آن فرد با گام‌هایش به دنبال کشف عمق وجود و ارتباط با الهی می‌باشد. این سفر نه تنها در فضاهای مادی، بلکه در جستجوی درونی برای حقیقت و فهم عمیق‌تر از زندگی است. در این دیدگاه، پرسه‌زنی نمایانگر تأمل و جستجوی معنا در زندگی انسانی است که با هدف نزدیک شدن به خدا و فهم بهتر از هستی ارتباط دارد. به‌طور کلی، این دو زمینه فرهنگی در فهم مفهوم پرسه‌زنی به‌طور قابل توجهی تفاوت دارند. در حالی که فلسفه غربی بر ارزش‌های فردیت و آزادی تأکید می‌کند، حکمت ایرانی-اسلامی بر سلوک عرفانی و جستجوی حقیقت تأکید می‌کند. این تنوع در رویکردها به پرسه‌زنی نه تنها نمایانگر فرهنگ‌های مختلف، بلکه به ما این امکان را می‌دهد که تجربیات انسانی را در ابعاد گوناگون تحلیل کنیم. در نتیجه، درک این دو سنت می‌تواند به ما کمک کند تا به جستجوی معانی عمیق‌تر در زندگی مان بپردازیم و ارزش‌های فرهنگی و معنوی را در تعاملات اجتماعی خود مد نظر قرار دهیم. از این رو، پرسه‌زنی نه تنها یک فعالیت فردی، بلکه یک فرآیند شناختی و معنوی است که در بسترهای مختلف فرهنگی شکل می‌گیرد و به‌عنوان ابزاری برای کشف و درک زندگی انسانی عمل می‌کند.

۳-۴- تحلیل بازنمایی ادبی

در بررسی بازنمایی ادبی مفهوم پرسه‌زنی، تفاوت‌های عمیق و جذابی در دو سنت فلسفی و ادبی وجود دارد: فلسفه غربی و حکمت ایرانی-اسلامی. در فلسفه غربی، به‌ویژه در آثار شاعرانی چون چارلز بودلر، پرسه‌زنی به‌عنوان یک عمل حسی و زیبایی‌شناختی در فضای شهری تجسم می‌یابد. بودلر، با دقتی مثال‌زدنی، جزئیات فضاهای شهری و احساسات پرسه‌زن را توصیف می‌کند و این توانایی را به خواننده منتقل می‌سازد که تجربه‌های جدیدی از زندگی شهری را احساس کند. آثار او نه تنها تصاویری از زندگی روزمره و تنوع اجتماعی را به نمایش می‌گذارد، بلکه به تعمق در زیبایی‌های نهفته در فضاهای عمومی می‌پردازد. از دیدگاه او، پرسه‌زنی نوعی فرار از روزمرگی و کاوش در زیبایی‌های ناگفته‌ای است که در خیابان‌ها و فضاهای شهری نهفته‌اند. در واقع، پرسه‌زن (Flâneur) به‌عنوان یک ناظر و گاه یک هنرمند، در جستجوی زیبایی و معنا در زندگی است و به همین دلیل، آثار او به‌نوعی گنجینه‌ای از تجربیات حسی و احساسی زندگی مدرن به شمار می‌آیند. به‌علاوه، در ادبیات مدرن غربی، پرسه‌زنی به‌عنوان نمادی از هویت فردی و کنش اجتماعی شناخته می‌شود. این مفهوم به‌ویژه در بافت شهری و تغییرات اجتماعی قرن نوزدهم و بیستم به‌خوبی نمایان می‌شود. نویسندگانی چون ریچارد چنדר و ویلیام فاکنر نیز با به‌کارگیری تکنیک‌های نوشتاری نوین، فضای شهر را به‌عنوان زمینه‌ای برای جستجوی هویت و حقیقت زندگی در نظر می‌گیرند و این جستجو از طریق پرسه‌زنی در فضاهای عمومی به تصویر کشیده می‌شود. به‌عبارتی، پرسه‌زنی در این ادبیات به‌عنوان نوعی تحلیل اجتماعی و فرهنگی از فضای شهری عمل می‌کند و خواننده را به تفکر دربارهٔ روابط انسانی و تجربیات اجتماعی در دنیای مدرن دعوت می‌کند. در مقابل، حکمت ایرانی-اسلامی نگاهی عمیق‌تر و معنوی‌تر به پرسه‌زنی دارد. اشعار مولوی و دیگر متون عرفانی اسلامی نمایانگر سفر درونی و جستجوی معنوی هستند. در این سنت، پرسه‌زنی به‌عنوان یک عمل معنوی و روحانی تعبیر می‌شود که هدف آن ارتباط با خدا و حقیقت هستی است. اشعار مولوی، به‌ویژه،

پیوند عمیق بین پرسه‌زنی و جستجوی الهی را به تصویر می‌کشند. در این اشعار، پرسه‌زن به‌عنوان جستجوگری توصیف می‌شود که در جستجوی حقایق عمیق‌تر زندگی، به سفر درونی و بیرونی می‌پردازد. این نوع پرسه‌زنی نه تنها به تحرک فیزیکی در فضاهای عمومی مربوط می‌شود، بلکه به تأمل در زندگی، حقیقت و وجود نیز مربوط است. مولوی با استفاده از نمادها و تصاویر عرفانی، مفهوم پرسه‌زنی را به‌عنوان یک سفر روحانی تجسم می‌بخشد که به فرد این امکان را می‌دهد تا به درک عمیق‌تری از وجود و ارتباط با خدا دست یابد. به‌علاوه، در حکمت ایرانی-اسلامی، مفهوم پرسه‌زنی به‌عنوان یک جستجوی معنوی و روحانی در متون عرفانی مورد تأکید قرار می‌گیرد. فیلسوفانی چون ابن عربی و حافظ نیز در آثار خود به جستجوی حقیقت و ارتباط با خدا پرداخته و پرسه‌زنی را به‌عنوان راهی برای رسیدن به این اهداف معرفی می‌کنند. در این متون، سفرهای درونی و بیرونی به‌عنوان وسایلی برای تجربه الهی و شناخت عمیق‌تر از هستی دیده می‌شوند. این دو رویکرد به پرسه‌زنی در ادبیات نه تنها نمایانگر تفاوت‌های فرهنگی و فلسفی بین دو سنت، بلکه نشان‌دهنده گوناگونی تجربیات انسانی است. در حالی که فلسفه غربی بر زیبایی و حس‌گرایی تأکید دارد، حکمت ایرانی-اسلامی بیشتر به جستجوی معنوی و ارتباط با خدا معطوف است. این تنوع در بازنمایی ادبی پرسه‌زنی، می‌تواند به ما درک بهتری از تجربیات انسانی و جستجوهای معنوی در زندگی روزمره‌مان ارائه دهد. در نتیجه، پرسه‌زنی به‌عنوان یک عمل فرهنگی، اجتماعی و معنوی، همواره در دو سنت فلسفی مختلف به‌طور متفاوتی نمایان می‌شود و ما را به تأمل در زندگی و ارزش‌های انسانی دعوت می‌کند.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

تحلیل مفهوم پرسه‌زنی در دو سنت فلسفی، یعنی فلسفه غربی و حکمت ایرانی-اسلامی، به ما ابعادی عمیق از تجربیات انسانی را نشان می‌دهد که هر کدام به‌نحوی خاص بر هویت فرد و ارتباط او با جهان پیرامون تأثیر می‌گذارد. در فلسفه غربی، پرسه‌زنی بیشتر به‌عنوان یک عمل فردگرایانه و مدرن شناخته می‌شود که تحت تأثیر مدرنیته و فردگرایی قرار دارد. این مفهوم به افراد آزادی می‌دهد تا در فضاهای عمومی کاوش کنند و با جامعه تعامل داشته باشند. به‌عنوان مثال، والتر بنیامین در تحلیل‌های خود به مفهوم "Flâneur" اشاره می‌کند، که به معنای مشاهده‌گر و تحلیل‌گر اجتماعی در فضاهای شهری است. این نقش، فرد را قادر می‌سازد تا زیبایی‌ها و جزئیات زندگی شهری را کشف کند و از طریق این تجربه، به یک درک عمیق‌تری از محیط و جامعه خود دست یابد. پرسه‌زنی در این بستر نه تنها به‌عنوان یک فعالیت فیزیکی، بلکه به‌عنوان یک عمل حسی و اجتماعی تلقی می‌شود که در آن فرد از طریق گام‌زدن در خیابان‌ها، به کشف زیبایی‌ها و نشانه‌های زندگی شهری می‌پردازد. از طرف دیگر، در حکمت ایرانی-اسلامی، پرسه‌زنی بیشتر به‌عنوان یک سلوک عرفانی و معنوی در نظر گرفته می‌شود. در این سنت، پرسه‌زنی نه تنها یک حرکت فیزیکی، بلکه راهی برای ارتباط با خدا و جستجوی حقیقت است. فیلسوفانی مانند مولوی و ابن عربی بر این نکته تأکید کرده‌اند که پرسه‌زنی به‌عنوان یک سفر درونی برای شناخت خویشتن و حقیقت الهی تعریف می‌شود. در این دیدگاه، پرسه‌زنی به‌عنوان یک فرآیند روحانی در نظر گرفته می‌شود که در آن فرد در جستجوی پاسخ به

سؤالات عمیق‌تر درباره وجود و رابطه خود با خداوند است. این دو رویکرد مختلف به مفهوم پرسه‌زنی نشان‌دهنده تنوع تجربیات انسانی و ارزش‌هایی است که هر یک از این سنت‌ها در خود جای داده‌اند. در ادبیات نیز، این دو سنت به‌خوبی نمایانگر تفاوت‌های عمیق در بازنمایی پرسه‌زنی هستند. در ادبیات مدرن غربی، پرسه‌زنی به‌عنوان نمادی از تجربه‌های حسی و زیبایی‌شناسی زندگی شهری به تصویر کشیده می‌شود. آثار شاعرانی چون بودلر و دیگر نویسندگان مدرن، پرسه‌زنی را به‌عنوان نمادی از زیبایی و تنوع زندگی شهری معرفی می‌کنند. بودلر با توصیف دقیق جزئیات فضاهای شهری و احساسات پرسه‌زن، به خوانندگان این امکان را می‌دهد که تجربه‌های جدیدی از زندگی شهری را احساس کنند. این نوع پرسه‌زنی به‌عنوان نوعی تأمل بر شرایط انسانی در عصر مدرن مطرح می‌شود و نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه فرد می‌تواند در فضاهای عمومی هویت خود را بیابد و به تجزیه و تحلیل زندگی شهری بپردازد. در مقابل، حکمت ایرانی - اسلامی با تأکید بر سلوک عرفانی و جستجوی حقیقت، پرسه‌زنی را به‌عنوان یک سفر معنوی و روحانی می‌نگرد. اشعار مولوی و متون عرفانی اسلامی به ابعاد معنوی و روحانی پرسه‌زنی پرداخته و جستجوی معنوی و ارتباط با خدا را به تصویر می‌کشند. این دو رویکرد به ما یادآوری می‌کنند که انسان‌ها به‌طور مداوم در جستجوی معنا و حقیقت هستند و پرسه‌زنی به‌عنوان یک تجربه انسانی، یکی از ابزارهای مهم در این مسیر محسوب می‌شود. به‌طور کلی، پرسه‌زنی به‌عنوان یک مفهوم پیچیده و چندبعدی، نمایانگر تعامل انسان با جهان اطرافش است. در هر یک از این سنت‌ها، پرسه‌زنی به‌عنوان یک ابزار برای کاوش و کشف معنا مورد توجه قرار گرفته است، اما تفاوت‌های بنیادین در نگرش به این مفهوم، نشان‌دهنده‌ی فرهنگ‌ها و زمینه‌های اجتماعی متفاوتی است که در آنها شکل گرفته‌اند. این تنوع در تفکر و رویکرد به پرسه‌زنی به ما این امکان را می‌دهد که تجربیات انسانی را در ابعاد گوناگون تحلیل کنیم. از این رو، درک این دو سنت می‌تواند به ما کمک کند تا به جستجوی معانی عمیق‌تر در زندگی مان بپردازیم و ارزش‌های فرهنگی و معنوی را در تعاملات اجتماعی خود مد نظر قرار دهیم. به‌عبارت دیگر، این دو رویکرد به ما یادآوری می‌کنند که پرسه‌زنی نه‌تنها یک فعالیت فردی، بلکه یک فرآیند شناختی و معنوی است که در بسترهای مختلف فرهنگی شکل می‌گیرد و به‌عنوان ابزاری برای کشف و درک زندگی انسانی عمل می‌کند. در نهایت، پرسه‌زنی به‌عنوان یک تجربه انسانی و فرهنگی، می‌تواند ما را به تأمل در زندگی و ارزش‌های انسانی دعوت کند و به ما کمک کند تا با تنوع تفکر انسانی و عمیق‌تر شدن در تجربیات خود، به زندگی خود معنا ببخشیم. این سفر درونی و بیرونی به ما این امکان را می‌دهد تا از طریق پرسه‌زنی، به شناخت عمیق‌تری از خود و ارتباط‌مان با دیگران و جهان دست یابیم. بر اساس نتایج پژوهش در مورد تفاوت‌های مفهوم پرسه‌زنی در فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی، پیشنهادات زیر ارائه می‌شوند:

- گسترش رویکرد چندفرهنگی به تجربه پرسه‌زنی: با توجه به تفاوت‌های برجسته میان فلسفه غربی و حکمت ایرانی - اسلامی، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتر به ترکیب این دو رویکرد بپردازند تا به

- درک عمیق‌تر از تعاملات فردی و اجتماعی در فضاهای شهری و معنوی برسند. این ترکیب می‌تواند به کشف نوآوری‌های فرهنگی در نحوه تعامل با فضاهای عمومی و شناخت معنوی کمک کند.
- تحلیل‌های میان‌رشته‌ای بیشتر: استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای، از جمله ارتباط ادبیات، فلسفه، معماری و جامعه‌شناسی، می‌تواند به تفسیر بهتر مفهوم پرسه‌زنی در زندگی مدرن و سنتی کمک کند. این روش، امکان تحلیل عمیق‌تر از فضاهای عمومی و روابط انسان‌ها با این فضاها را فراهم می‌کند.
 - بررسی تأثیرات مدرنیته بر معنویت: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری به تحلیل چگونگی تأثیر مدرنیته و تکنولوژی بر تجربیات معنوی و پرسه‌زنی شهری پردازند. بررسی نقش تکنولوژی در شکل‌دهی به این تجربیات، خصوصاً در جوامع مدرن، می‌تواند به درک بهتر از تغییرات اجتماعی و معنوی کمک کند.
 - توسعه برنامه‌های فرهنگی برای ترویج پرسه‌زنی معنوی: با توجه به اهمیت پرسه‌زنی به‌عنوان یک ابزار معنوی در حکمت ایرانی - اسلامی، می‌توان برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای ترویج و گسترش این تجربه در جوامع مختلف توسعه داد. این برنامه‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند تا از طریق پرسه‌زنی، به تأمل و جستجوی عمیق‌تری در زندگی روزمره خود پردازند.
 - طراحی فضاهای شهری بر اساس مفاهیم فرهنگی: طراحان شهری می‌توانند با الهام از مفاهیم پرسه‌زنی در دو سنت فلسفی، فضاهای شهری را به‌گونه‌ای طراحی کنند که هم به زیبایی‌های مدرن شهری و هم به ابعاد معنوی و تأملی توجه داشته باشند. این می‌تواند باعث ایجاد فضاهایی شود که امکان تجربه‌های حسی و معنوی را به‌طور همزمان فراهم می‌کند.
 - تشویق به تحقیق بیشتر در زمینه مفهوم پرسه‌زنی در ادبیات معاصر: ادبیات معاصر می‌تواند بستری مناسب برای تحلیل تجربیات پرسه‌زنی در دنیای امروز باشد. پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند به تحلیل بهتر از نحوه بازنمایی تجربه‌های فردی و اجتماعی در فضاهای مختلف پردازد.

منابع

- 1) Auslander, P. (2019). Theory for Performance Study, Translation: Shahab Pazouki & Majid <http://dx.doi.org/10.1111/1469-8676.12381>
- 2) Eagleton, T. (2020). Walter Benjamin yā be Su-ye Naqdi Enqelābi. Mehdi Amir Khanlou & Mohsen Maleki (Trans.). Tehran: Markaz. [in Persian].
- 3) Fekouhi, N., & F. Sayarpour (2014). "Shahr be Masābeh -ye Badan: Negāhi Ensān Shenākhti be Meydān -e Emām Khomeini (Toupkhāneh) Tehrān bā Ta'kid bar Rābeteh-ye kālbod-e Ensāni va Fazāye Shahri". Pajouhesh hā-ye Ensān Shenāsi-ye Irān, City. No. 2. pp. 29-49. <https://doi.org/10.22059/ijar.2014.55494> [in Persian].
- 4) Ferdowsi, M. (2020). "Tehrān Parseh zan ra Pas Zadeh". Majale-ye Tehranshahr. No. 4. pp. 52-59. [in Persian].

- 5) Friedberg, A. (1993). *Window shopping: cinema and the postmodern*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- 6) Ghahramani, M. B, Piravi Vanak, M, Mazaherian, H., & Sayyad, A. (2016). Reconfiguration of Flaneur of the Modern Metropolis in the Body of a Film Spectator. *Honarhaye Ziba (Memari va Shahrsazi)*, 21(1), pp. 17-28. [In Persian].
- 7) Gluck, M. (2003). *The Flaneur and the Aesthetic Appropriation of Urban Culture in Mid-19th-Century Paris*, *Theory, Culture & Society*. London: SAGE.
- 8) Gulshan, Z. (2020). *Rumi's spirituality: A guide to the poet's metaphysics*. Oxford University Press.
- 9) Mohamadi, J, Jahangiri, O, Pakdaman, Y. (2016). Flaneur and Reshaping of Urban Public Spaces. *Social Sciences*, 22(70), 279-312. [in Persian].
- 10) Naas, P. J. (2012) *The Urban Anthropologist as Flâneur: the Symbolic Pattern of Indonesian Cities*. *Wacana*, 14(2), pp. 429-454.
- 11) Nasr, S. H. (2015). *Islamic philosophy from its origin to the present: Philosophy in the land of prophecy*. State University of New York Press.
- 12) Nurul Islami, M. (2021). Walking, Body, and the City: Pleasure and the Co-formation of the Self and the City. *Journal of Southeast Asian Communication*, 2(1), pp. 1-23. [In Persian].
- 13) Oskouee Aras, A., & Badamchizadeh, P. (2024). Analyzing the approaches of neighborhood-oriented planning and community-oriented regeneration. *Geography and Human Relationships*, 6(3), 733-767. doi: 10.22034/gahr.2023.406966.1912
- 14) pazouki S.(2023). The Formation and Expansion of the Concept of Performance in Urban Studies Focusing on Guy Debord's Concept of "Dérive". *Urban Design Discourse a Review of Contemporary Litreatures and Theories*; 4 (2) :44-59 URL: <http://udd.modares.ac.ir/article-40-67232-fa.html> [In Persian].
- 15) Rashidzadeh, K. (2020). "Parseh zani chist va Parseh zan Kist?". *Majale-ye Tehranshahr*. No. 4. pp. 80-89. [in Persian].
- 16) Shepherd, S. (2016). *The Cambridge Introduction to Performance Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 17) Shortell, T., & Brown, E. (2014). *The Flânerie: A Way of Walking, Exploring and Interpreting the City*. In *Walking in the European City: Quotidian Mobility and Urban Ethnography*. London: Routledge.
- 18) Sontag, S. (2013). *On Photography*, Translation: Negin Shidoush & Farshid Azarang. Tehran. URL: <http://lcq.modares.ac.ir/article-29-57802-fa.html>. [In Persian].
- 19) Parvanehpour. Tehran: Matn Publications. [In Persian].
- 20) Binazir N. Roaming, (2021). Lived Experience in Transition and Halt (The Analysis of Roaming Subject in "I'm probably Lost" and "Yousefabad, Thirty Third Avenue" Novels). 14 (56) :89-130. <http://lcq.modares.ac.ir/article-29-57802-en.html> . [in Persian].
- 21) Coates, Ja. (2017). Key Figure of Mobility: The Flâneur. *Social Anthropology*. 25(1), 28-41.